

دکتر باقرپور کاشانی



وظیفه‌ی مرجع تقلید چیست؟!!

وظیفه مرجع تقلید چیست؟!

مرجع تقلید وظیفه‌اش چیست؟ آیا آن مرجع تقلید می‌تواند از جیب مبارک، از نظرات شخصی خودش فتوا بدهد؟ خیر! همین که اولین فتوای خودش را به نفس خودش داد، این اساساً عدالتش زیر سؤال می‌رود! لذا جناب احمدالحسن (مدعی یمانی) می‌فرماید «خواسته‌های نفسانی»، او که بر اساس خواسته‌های نفسانی بدهد، اصلاً قابل تقلید نیست! لذا سالبه منتفی به انتفاء موضوع!

شیعه هم نگفته این مراجعی که ما انتخاب می‌کنیم می‌توانند بر اساس خواسته‌های نفسانی خودشان فتوا بدهند! این قدر این مسأله حساس هست که خدا رحمت کند علامه حلی رضوان‌الله تعالی علیه، می‌گفتند وقتی می‌خواست بحث طهارت در ارتباط با چاه را مطرح بکند، چون قبلاً بین آقایان بحث بود آیا این چاه، آب قلیل هست یا خیر؟ اگر آب قلیل باشد، وقتی نجاست داخلش بریزد، این کم‌تر از کر هست، وقتی کم‌تر از کر باشد، باید چه کار بکنیم؟ می‌شود نجس. بعد می‌گفتند چه کار باید بکنیم؟ می‌گفتند از این باید دلو دلو آب بکشیم. حالا مختلف است. یاد می‌آید در کتاب شهید اول و شرح شهید ثانی که ما می‌خواندیم یعنی «لمعه»، آن جا مختلف بحث بود، بحث سختی هم بود.

می گفتند اگر چنانچه یک گوسفند در آب بمیرد، یا یک گربه بمیرد، یا یک سگ بمیرد، یا بول و غائط ریخته بشود، یا خون ریخته بشود، یا شتر بیفتد در آن بمیرد، اینها تعداد آب‌هایی که باید نسبت به اینها کشیده بشود متفاوت هست. حالا بعداً باز آمدند کشف کردند دیدند نه این آب در حکم آب قلیل نیست، در زیر متصل هست، اتصال دارد و بلکه فوق آب کر هست!

لذا می‌خواهم بگویم اگر چنانچه اختلاف هم بود، به خاطر فهم دین‌شان نبود، بحث سر مصداق بود. آیا این مصداق آب قلیل هست؟ احکامی دارد، آب کر احکام خاص خودش را دارد.

مرحوم علامه حلی وقتی می‌خواست فتوا بدهد، دستور می‌دهد چاه خانه‌اش را پر کنند! خیالش راحت بشود! چاه ندارم! آب می‌خواهی برو از آب‌انبار بیاور! می‌گویند چرا این کار را کردی؟ می‌گویند به خاطر اینکه همین که فتوا می‌خواستیم بدهم دیدم نفس من می‌گوید کدام راحت‌تر هست؟! این فتوا را با توجه به چاه آبی که دارم، چه کار بکنم؟! گفتم چاه نداشته باشم! اصلاً هیچ تعلقی نداشته باشم! بنشینم فتوا بدهم! ما چنین متقینی داشتیم در بین علما و فقها!

حالا ممکن است یک نفر هم بیاد فرض بکنید این بگوید که من مرجع تقلیدم. نه واقعاً علمیت داشته باشد! نه تقوا داشته باشد! اما این به این دلیل نیست که کل مرجعیت زیر سؤال برود! بنده که تأیید می‌کنم که هر چه مرجع تقلید از اول از

عصر غیبت کبری امام زمان علیه السلام تا حالا آمده، همه آدم‌های خوبی بودند! نه! چنین حرفی نزدیم! همه فتاواشون بر اخلاص و رضایت خدا بوده! نه! ممکن است که نفسانیت هم درش باشد! اما این دلیل بر این نمی‌شود که تمامش را تخطئه بکنی! یک دکتری که تعهد ندارد، آیا می‌شود کل جامعه دکترا را زیر سؤال ببریم؟ ما یک نانوایی داریم که جوش شیرین زیاد در نان‌ها می‌زده! آیا می‌شود تمام نانواها را بگوییم آدم‌های بدی هستند؟! ما قصابی داشتیم که این بنده خدا می‌آمده گوشت الاغ را به جای گوشت گوسفند می‌داده!

یادم است بیست سال پیش یک رستوانی بود، وارد انبارش شدند دیدند سرهای الاغ‌ها آویزان هست! این می‌آمده کباب به خلق الله می‌داده با گوشت الاغ! حالا گوشت الاغ که کراحت دارد. یکی را در تهران گرفتند این گوشت سگ می‌داده به خلق الله! عرض بنده این هست با اینکه یک رستوانی این کار را می‌کند آیا می‌گوییم همه این کسانی که رستوران دارند آدم‌های شارلاتانی هستند؟! چنین چیزی نمی‌گوییم! صرف نظر از این بحث‌ها، شما از دو سه تا آخوند چیز بد می‌بینی، می‌توانی بگویی همه آخوندها فلان هستند؟! یک بنده خدایی بود می‌گفت آقا همه آخوندها! گفتم نگو همه آخوندها! بگو آخوندهایی که تو دیدی فرضاً! چرا می‌گویی همه آخوندها؟ تو تمام آخوندها را استقراء داشتی؟ یعنی تو زندگی‌شان بودی بررسی داشتی ببینی این‌ها چه جوری هستند؟! چرا گناه

می‌شوری؟ بگو چند تا آخوندی که ما دیدیم این‌طوری بوده! ولی دلیل بر این نمی‌شود کل این‌ها را تخطئه بکنی ببری زیر سؤال! و بگویی هر چی شیخ هست فلان! هر چه آخوند هست فلان! این نه حرف معقولی هست، نه حرف درستی هست. هر رشته‌ای تو بگویی، مثلاً همهٔ دکترها! تمام نانوایا! رستوران‌ها! این‌طوری کسی باقی نمی‌ماند! این‌طور که نمی‌شود ورود کرد! دور از وجدان هست! دور از منطق هست!

بینید آن فقیه باید چه کار کند؟ آن فقیه باید بر اساس حکم خدا نظر بدهد، آن چیزی که باید استنباط بکند، این فتوایی که می‌دهد بر چه اساسی باید باشد؟

مکتب شیعه چه می‌گوید؟ می‌گوید یا باید بحث از قرآن باشد، فتوایی که می‌گویی از آیهٔ قرآن در بیاورد، یا باید از فرمایشات معصومین علیهم‌السلام در بیاورد، یعنی نبی اکرم و اهل بیت ایشان، به آن می‌گویند سنت؛ یا باید اجماع باشد، اجماع فی حد نفسه ازش فهمیده نمی‌شود، اجماع کشف سنت می‌کند.

اجماع هست آقایان این کار را انجام می‌دهند، حدیثی بوده که این کار را انجام می‌دادند؛ و عقل! عقل هم نه چیزهای تخیلی و توهمی که برای خودت بیافی! نه! بر اساس همان حسن و قبح و ضروریات و بدیهیات و ضوابط عقلی که هیچ‌گونه تعارضی با وحی ندارد، با قرآن ندارد، با حدیث ندارد! بلکه با همان عقل هم باید فهم درستی از آیات و روایات داشته باشیم.

بله اگر چنانچه یک نفر از قیاس استفاده نکند، یک نفر از استحسان استفاده نکند،
کما اینکه بعضی از این آقایان سنی‌ها این کار را می‌کردند! و الان هم دارند
می‌کنند! این‌ها مورد تائید نیست!

لذا در حقیقت شما وقتی که از آیت‌الله ایکس داری تقلید می‌کنی، به این معنی
نیست که از هوای نفسانی این یا بر اساس یک سری ظنون و شکیات و توهمات و
تخیلات داری تقلید می‌کنی! نه! شما از این آقا که داری تقلید می‌کنی، داری از
چی این تقلید می‌کنی؟ شما داری از قرآن تقلید می‌کنی، از حدیث تقلید می‌کنی؛
منتها این یک کسی هست که علوم آلی و ابزاری را یاد گرفته، رجوع کرده به قرآن،
به روایات و با آن ضوابط خاص خودش آمده استنباط کرده. آیا معصوم هست؟
معصوم نیست! اما چاره‌ای نداریم!

شما هم اگر رجوع می‌کردی اگر همه مجتهد بشوید، همه به یک نتیجه
می‌رسیدید؟ نه! شما که معصوم نبودید! اما معذوریت داری، چاره‌ای نداشتی! یک
نفر خودش را وقف این کار کرده و شما از تخصص او استفاده می‌کنی.

ما تقلید از غیر معصوم به هیچ وجه در من جمیع جهات تقلید از غیر معصوم
نمی‌کنیم! اصلاً معنی ندارد تقلید از غیر معصوم! ما از مجتهد که داریم تقلید
می‌کنیم، در حقیقت چون ایشان فهم آیات و روایات را دارد و ضوابط عقلی و
اصولی، می‌آییم از ایشان به خاطر تخصصی که دارد تقلید می‌کنیم. این مجرا و

مجلای تحقیق هست، تقلید از خدا و پیغمبر و اهل بیت هست. اگر نه این آقا برای ما چه چیزی دارد که از توهمات و تخیلاتش بخواهیم تقلید بکنیم؟! اصلاً برای شما چه چیزی دارد از عقل شخصی اش بخواهیم تقلید بکنیم؟! ما ایشان را چون دین شناس هست و ضوابط استنباط را بلد هست و کار کرده، از تخصصش استفاده می کنیم. این به عنوان مجرا و مجلا هست. به تبع، آن چیزی که ما تقلید در حقیقت داریم می کنیم، از فرمایشات خداوند و اهل بیت ایشان هست! از غیر معصوم ما تقلید نمی کنیم! اما چاره ای نداریم! این تخصص را می خواهد که این فرد چنین کاری را برای ما انجام بدهد.

تمام

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ وَأَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ